

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۰ مارچ ۲۰۲۲

درگیری مسلحانه بین کوچی ها و نظام ملاسالار!

چهارشنبه - ۱۸ حوت ۱۴۰۰ - کابل: "۸ صبح، قندهار: در نتیجه درگیری میان نظامیان محلی و کوچیان در قندهار، پنج تن زخم برداشته‌اند.

منابع گفته‌اند که این رویداد امروز چهارشنبه، ۱۸ حوت، در ولسوالی دامن ولایت قندهار میان کوچیان و نظامیان محلی رخ داده است.

این درگیری هنگامی رخ داده است که کوچیان می‌خواستند زمین‌های دولتی را در ساحات بوری شاهولی کوت و کاریز شکور غضب کنند که با واکنش نظامیان روبه‌رو شدند."

خبریکه در فوق از نظراتان گذشت و موضوع یادداشت امروز ما را می‌سازد، از چند جهت می‌تواند باعث نگرانی و بحث قرار گیرد:

۱- در این که حیات غیر باشنده و غیر مقیم و حیات را به شکل "کوچیگری" سپری کردن، برمی‌گردد به قدیمی ترین طرز زیست انسانها و توأم است با تحمل رنج و مشقات بی‌شمار، هیچ جای شکی در آن نیست، از همین رو در تمام جهان به خصوص آن کشور هائی که تا هنوز این پدیده قرون اولی در آن وجود دارد، حاکمیت ها موظف اند تا جهت اسکان اختیاری و فراهم ساختن زمینه های حیات مقیم و مرفه در تمام ساحات برای آنها بکوشند، هیچ جای بحثی وجود ندارد.

۲- این که حاکمیت ها در افغانستان نیز مکلف اند تا جهت بهبود زندگانی سخت و طاقت فرسای آن عده از هموطنان ما که تا هنوز حاضر نیستند طرز حیات شان را تغییر دهند و به همان حیات بدوی شان ادامه می‌دهند، زمینه ها، فرصت ها و امکانات حیات باشنده را فراهم سازند جای بحثی در آن نیست؛ مگر این نکته را نیز می‌باید در نظر داشت که حاکمیت ها به هیچ وجه حق ندارند تا به بهانه اسکان کوچی ها و یا کمک به یک بخش از مردمان این کشور، کتله های وسیعی از باشندگان به خصوص دهقانان کشور را متضرر ساخته تخم کین بین حیات باشنده و کوچی و در نتیجه بین دهقانان و کوچی ها بکارند.

۳- تجارب تاریخی تا حال نشان داده است که استفاده ابزاری و ردیلائے حاکمیت ها از کوچی ها بیشتر به منظور تحت فشار قرار دادن اقلیت های قومی ساکن، نه تنها همیشه بستر و زمینه درگیری و منازعه بین کوچی ها با باشندگان

مناطق مختلف را فراهم ساخته و همه ساله به ده ها تن در چنان درگیری هائی جان شان را از دست داده و یا زخمی شده اند و هیچ منفعتی هم عاید کوچی ها و یا طرف دیگر بار نیاورده بلکه کین و نفرت قومی و مذهبی را نیز دامن زده، شیرازه حیات جمعی کشور را به مخاطره انداخته است.

۴- از آن جائی که اکثریت قریب به اتفاق چنین درگیری هائی بین اقوام کوچی و اقلیت های قومی به خصوص هزاره ها، ازبیک ها و بعضاً تاجیک ها بوده است، درگیری کنونی بین کوچی های منوط به شاخه احمدزی قوم پشتون و افراد نظام ملاسالار در محل "بوری شاه ولی کوت" و "کاریز شکور" ولسوالی دامان ولایت قندهار که عمدتاً از شاخه درانی های قوم پشتون اند، می تواند سرآغاز یک درگیری قومی بین دوشاخه یک قوم به حساب رفته تداوم آن عواقب مرگباری به دنبال داشته باشد.

۵- با در نظر داشت این که ایجاد تفرقه و دامن زدن به خصومت های قومی از همان نخستین روز های حاکمیت "غنی احمدزی" آغاز یافت و آن سگ دربان امپریالیسم، به علاوه ایجاد و تشدید خصومت بین پشتونها و بقیه اقوام ساکن کشور، تضاد بین غلجائی ها به سرکردگی احمدزی ها و درانی ها را نیز دامن زد و به تعقیب آن با انتقال سازمانیافته حاکمیت به شاخه احمد زی های غلجائی، دست دراز خود را به نفع استعمار در درون حاکمیت نظام ملاسالار نیز حفظ نمود، درگیری کنونی در مناطقی از ولسوالی دامان ولایت قندهار بین نیروهای درانی نظام ملاسالار با کوچی های احمدزی، می تواند هم بازتاب تضاد درونی حاکمیت نظام ملاسالار باشد و هم سرآغاز یک درگیری خونبار قومی.

۶- نکته اساسی در این روند، می تواند درک انگیزه ها و عوامل این درگیری باشد. یعنی کوچی ها به همان سان که تا حال مالکیت اقوام ساکن در مناطق مرکزی و سایر مناطق را به رسمیت نمی شناختند و با استفاده از حمایت دولتی بر باشندگان آن مناطق زور می گفتند و ظلم روا می داشتند اینبار هم، چشم به مالکیت اقوام درانی دوخته و آنها را نیز صاحب املاک شان نمی دانند و یا پای تحریکات دیگری در میان است.

از آن جائی که در گذشته نقش پاکستان در تحریک کوچی ها جهت زدودن امنیت و ایجاد درگیری کاملاً روشن بوده است، اینبار هم می تواند درگیری کنونی، بسیار هدفمندانه جهت ایجاد نفاق خونین بین شاخه های متعدد قوم پشتون و انتقال آن در درون حاکمیت طالبی صورت گرفته باشد.

هموطنان گرامی!

به عنوان باشندگان و صاحبان این کشور باید متوجه باشیم که نه تنها سیاست تفرقه افکنانه و تمامیتخواهانه طالب و نظام ملاسالار شیرازه وحدت ملی ما را آسیب می رساند، بلکه امپریالیسم و ارتجاع نیز جهت رسیدن به امیال شان، خواهند کوشید تا از طریق دامن زدن به چنین تضادهائی، خواستهای شان را برآورده بسازند. لذا برماست که در همه حالات متوجه چنین تحریکاتی شده به همان سان که به ارتجاع داخلی در وجود حاکمیت اجازه ایجاد درگیری بین اقوام را نباید بدهیم، دست مداخله گران و تفرقه افکنان خارجی را نیز می باید از شانه برید و نگذاشت تا وحدت مردم را آسیب برسانند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!